

تعریبه در ایران

ایران قدیم مهد تمدنی شکوفا و فرهنگی پویا و سرزمین شادی‌ها، جشن‌ها و مراسم ملی و مذهبی پرشکوه بوده است. برنامه‌های نمایشی یکی از گونه‌های مهم ادبیات است که در اکثر کشورهای جهان از دیرباز تاکنون وجود داشته است. نمایش در ایران قدیم دارای دو چهره‌ی مشخص بوده است:

یکی «دراماتیک» با برداشت‌های عاشقانه، غم‌انگیز و سخت عاطفی داشته

و دیگری «نمایش» با مایه‌هایی از طنز، کنایه و تمسخر.

از نمونه‌ی نمایش نوع اول مرگ سیاوش را می‌توان نام برد. بنا به روایت تاریخ اساطیری، بعد از فرار سیاوش از نزد پدر و گذر از رودخانه‌ی جیحون، وی به دربار افراسیاب می‌رسد و بعد از اکرام فراوان داماد او می‌شود و زندگی آرام و پرشکوهی را آغاز می‌کند. ولی بز اثر حسادت حاسدان و بدگویی سخن‌چینان مورد غضب پادشاه قرار می‌گیرد و کشته می‌شود. (تاریخ بخارا، ۳۳۲ هـ. ق)

از نمایش‌های نوع دوم می‌توان به قتل «گئوماتای غاصب» (بردبای دروغین) اشاره کرد. ماجرا از این قرار است که هفت خانواده از خانواده‌ای اصیل ایرانی، بعد از آگاهی از ماجرای بردبای دروغین، شبانه او را به قتل می‌رسانند. مردم وقتی از این حادثه آگاه می‌شوند شاد می‌شوند و هر ساله در همان روز جشنی به پا می‌کنند و ماجرای دروغ و قتل «گئوماتا» را نمایش می‌دهند.

(تعریه در ایران، همایون صادقی)

یکی دیگر از جنبه‌های نمایش در ایران، که بعد از اسلام نمود بیش‌تری پیدا می‌کند و ضمن اتکا بر بینش و نیاز معنوی توده‌ی مردم مورد حمایت بی‌دریغ آنان واقع می‌شود، «تعریه» است. آن‌چه موجب

رشد و توسعه‌ی تعریبه می‌شود جریان مذهبی و جنبه‌ی ملی آن، پس از استقرار مذهب حقه‌ی تشیع در ایران است.

تعریه و روند تکامل آن در ایران

«تعریه» در لغت به معنی سوگواری و عزاداری و برپا داشتن یادبود عزیزان در گذشته است. لیکن در اصطلاح، به نوعی نمایش مذهبی با آداب و رسوم و سنت‌هایی خاص اطلاق می‌شود و برخلاف معنی لغوی آن، غم‌انگیز بودن شرط حتمی آن نیست و ممکن است گاهی خنده‌آور و شادی‌بخش نیز باشد. گو این‌که این نوع نمایش‌ها در آغاز کار به منظور یادآوری مظلومیت شهیدان دین و مذهب برپا شده و نوع فرح‌زای آن بعدها و در نتیجه‌ی تکامل این هنر بدان مزید گشته است... (محمد محبوب، نشریه‌ی ۳، ۱۳۴۶)

«تعریه و شبیه آن هر نمایشی است منظوم به توسط عده‌ای از اهل فن و با موسیقی، که بعضی مصائب اهل بیت علیهم‌السلام را مصور می‌سازد. تعریه‌خوانی، هریک از عده‌ای که بعضی مصائب اهل بیت علیهم‌السلام را مصور کند... (لغت‌نامه‌ی دهخدا، ذیل تعریه).

«تعریه taziye (ع. تعریه تعزیت) عزاداری کردن [مطلقاً] - برپا داشتن مجلس عزا برای حسین بن علی (ع) مخصوصاً - نمایش دادن وقایع کربلا و حوادثی که بر سر بعضی از ائمه آمد - نمایش مذهبی - شبیه خوانی.» (فرهنگ معین، ذیل همین کلمه)

اصطلاح «شبیه» از قدیم هم برای واقعه‌ای که به وسیله‌ی شبیه‌خوان‌ها اجرا می‌شد و هم برای هریک از افراد واقعه به



* زهرا جعفری؛ دبیر ادبیات دوره‌ی متوسطه، شهرستان میمه

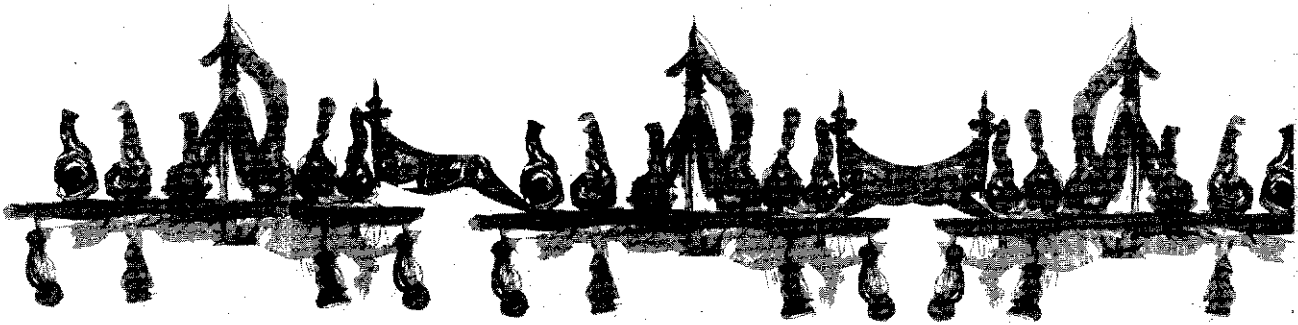
رهبر آموزش زبان و ادب فارسی

♦ دوره‌ی بیستم
♦ شماره‌ی ۲
♦ زمستان ۱۳۸۵

تعریه شبیه‌خوانی
مقتل نویسی، روضه‌خوانی، تکبیر
نقالی و سخنوری

چکیده

تعریه به تناسب درس تعریه (علمدار) در کتاب ادبیات فارسی سال اول دبیرستان، گوییده است روند تکاملی تعریه را در ایران از ابتدا تاکنون و نیز عناصر سازنده و برداشته‌ی آن را به اختصار و با استناد به چند منبع تعیین نماید.



کار می‌رفته یعنی نقشی که یک شبیه‌خوان اجرا می‌کرده است.

در خصوص روند تکاملی دسته‌های عزاداری و پدیدار شدن تعزیه و شکوفایی آن آن‌چه مهم و تأثیرگذار بوده است حوادث، ماجراها و دلبستگی‌های عاطفی و مذهبی و هنری‌ای بوده که در فرهنگ ملی، مذهبی ایران وجود داشته است.

اجتماعی شدن تعزیه‌ی حسین بن علی (ع) مقارن با زمانی است که ایرانیان شیعی مذهب عکم مخالفت در برابر قدرت سیاسی خلفای اموی برافراشتند. معزالدوله یک سال قبل از مرگ نمودن تعزیه‌ی مذهبی در سطح جامعه، با نصب کتیبه‌هایی بر سردر مساجد بغداد، علیه دستگاه خلفای اموی موضع‌گیری سیاسی نمود و ظلم آنان را بر خانواده‌ی پیامبر (ص) تقبیح کرد.

«عزاداری آل بویه در حقیقت عبارت است از تعارض با قدرت و حالت موجود جامعه‌ی اهل سنت.» (ابن کثیر، البدایه و النهایه فی التاریخ).

«صاحب بن عباد وزیر و شاعر معروف آل بویه و یکی از مروجین تعزیت امام حسین (ع) بود. او قصائد زیادی در مرثیه‌ی امام حسین به نظم درآورد که در مراسم عزاداری روز عاشورا برای تهییج و گریاندن عزاداران خوانده می‌شد. از او به همراه یکی از کاتبان و شاعران ایرانی قرن چهارم، به نام ابوبکر خوارزمی، با عنوان «تجلها التعازی والمراثی» یعنی کسی که در بزرگداشت تعزیه و مرثیه می‌کوشد یاد شده است.» (صادق همایونی، تعزیه در ایران)

علاوه بر آل بویه، مردم طبرستان نیز نسبت به قیام حسین بن علی (ع) و مصائب او حساسیت خاصی نشان دادند. دیلمیان پس از استیلا بر بغداد عزاداری روز عاشورا را در مقیاس عمومی برگزار نمودند.

دکتر محمدجعفر محجوب در زمینه‌ی تعزیه می‌نویسد، در کتاب النقص، تألیف عبدالجلیل رازی، نام و نشان تعدادی واعظان نامدار سنی، که در عزاداری برای شهیدان کربلا، از روی صدق و اخلاص می‌گریسته‌اند، آمده است و ماجرای سوگواری آن‌ها با شرح و تفصیل بیان شده است.

به غیر از برگزاری مراسم تعزیه نوعی تاریخ‌نویسی به نام «مقتل‌نویسی» رواج یافت و در آن مصائب خاندان حسین (ع) نوشته می‌شد. از آن جمله کتاب «مقتل الحسین» است که خوارزمی آن را نوشته است. ولی گسترش تعزیه را در ایران می‌توان تا حدی مرهون کتاب «روضه‌الشهدا» تألیف ملاحسین واعظ کاشفی دانست.

در همین زمان در مقابل مقتل‌نویسی، «فضائل‌نویسی و فضائل‌خوانی» در بیان کرامات خلفای سه‌گانه نیز رواج داشت یعنی در ضمن حماسه‌های مذهبی به ذکر رشادت‌ها، بزرگواری‌های سه خلیفه می‌پرداختند؛ یعنی در حقیقت «فضائل‌خوانی» در برابر «مقاتل‌خوانی» بوده است. البته بعد از روی کار آمدن سلسله‌ی صفویه از «مقاتل‌خوانی» حمایت گردید و جبهه‌ی جدیدی در برابر «فضائل‌خوانی» خلفا گشوده شد.

همان گونه که می‌دانیم ظهور صفویه

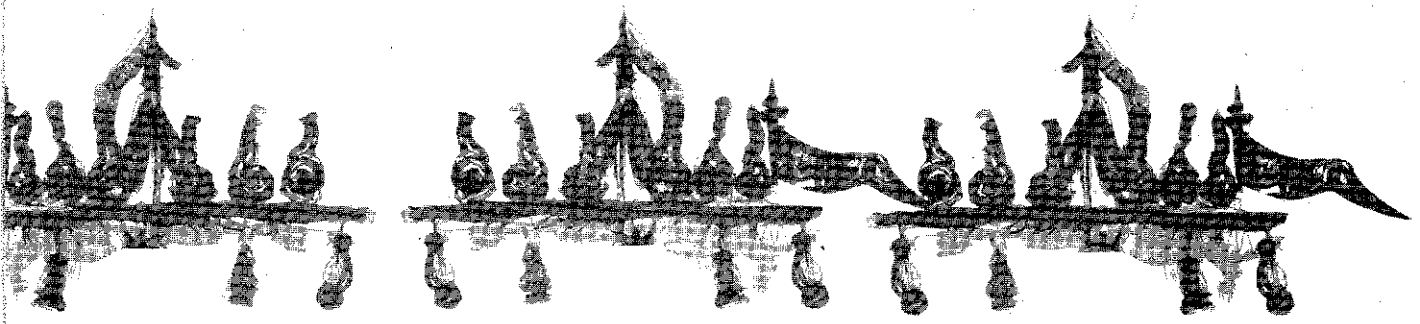
اوج قدرت شیعه را در تاریخ ایران به همراه داشته است و با توجه به حمایت حکومت از مذهب شیعه و علاقه‌ی قلبی توده‌ی مردم به خاندان حضرت علی (ع) روضه‌خوانی رونق چشم‌گیری می‌یابد. شاه اسماعیل صفوی خود در فضائل حضرت علی (ع) و امام حسین (ع) شعر مذهبی می‌سرود و از آنان برای برانگیختن نیروهای انسانی در راه رسیدن به مقاصد اجتماعی و مالی خود بهره می‌گرفت.

از طرف دیگر در این دوره مراسم روضه‌خوانی و عزاداری جنبه‌ی تشریفاتی و رسمی به خود می‌گیرد و مراسمی چون سینه‌زنی، نوحه‌خوانی و به راه افتادن دسته‌ها و هیئت‌های مذهبی در کوی و برزن رواج می‌یابد و همراه با آنان علائم مختلف چون «علم، کتل، نخل، اسب، نقش و طبل» حمل می‌شود. این مراسم به علت پراکندگی آبادی‌ها و محلات مختلف موجب تنوع و رقابت می‌شد و هریک می‌کوشیدند تا عزاداری محل آنان پرشکوه‌تر از دیگر نقاط باشد؛ خصوصاً ده روز اول ماه محرم این نوآوری و ابتکارات بیش‌تر می‌شد.

پدیدار شدن تعزیه به مفهوم امروزی آن، از زمان صفویه و با حمایت بی‌دریغ آنان آغاز می‌شود و رواج می‌یابد. البته در آغاز مواعع بسیاری بر سر راه بود؛ از آن

شماره ۲
دوره بیستم
زمستان ۱۳۸۵





جمله:

نهی از تقلید و شبیه سازی، حرمت موسیقی، منع از دخالت زنان در نمایش ها و تظاهرات. از این رو گروهی از عالمان دین در آن زمان با این گونه تظاهرات به مخالفت برخاستند. «در این زمینه حتی برخی از فقیهان، به راه انداختن دسته را نیز مجاز نمی شمردند و معتقد بودند که بر سر و سینه زدن و... مخالف نص صریح قرآن و موجب افکندن نفس در تهلکه است. علاوه بر آن، دیدن بدن های عریان مردان نامحرم بیش از آن که مایه ی ثواب باشد سبب گناه است و به قصد کاری مستحب نمی توان به کار حرام دست زد...» (صادق همایونی - تعزیه در ایران).

در دوره ی قاجاریه نیز تعزیه و تعزیه خوانی رو به گسترش نهاد؛ خصوصاً در زمان آقامحمدخان. در این دوران نخستین حکم معروف به «شبیه خوانی» توسط میرزا ابوالقاسم بن حسن گیلانی معروف به «فاضل قمی»، از فقهای امامیه در دوره ی قاجاریه، صادر شد. او در این حکم نه تنها شبیه خوانی را حرام نمی داند، بلکه آن را جایز و از اعظم مجاهدات بیان می کند.

در دوره ی فتحعلی شاه، میرزا محمدتقی نوری یکی از مجتهدین وقت، تعزیه نامه های متعددی می سراید، که یکی از آن ها «مهلت خواستن امام حسین» است و خود از نخستین تعزیه نامه ها به شمار می رود.

در دوره ی سلسله ی قاجاریه، تعزیه خوانی، هم از نظر محتوا و هم از نظر کیفیت و نحوه ی برگزاری و محل آن، به اوج تکامل می رسد. در این خصوص بنا

به روایت «گوبینو» در آغاز سلطنت ناصرالدین شاه بین دوپست تا سیصد محل جداگانه برای برگزاری تعزیه، اعم از تکیه و حسینیه و میدان، وجود داشته و هرکدام دوپست سیصد نفر را در خود جای می داده است.

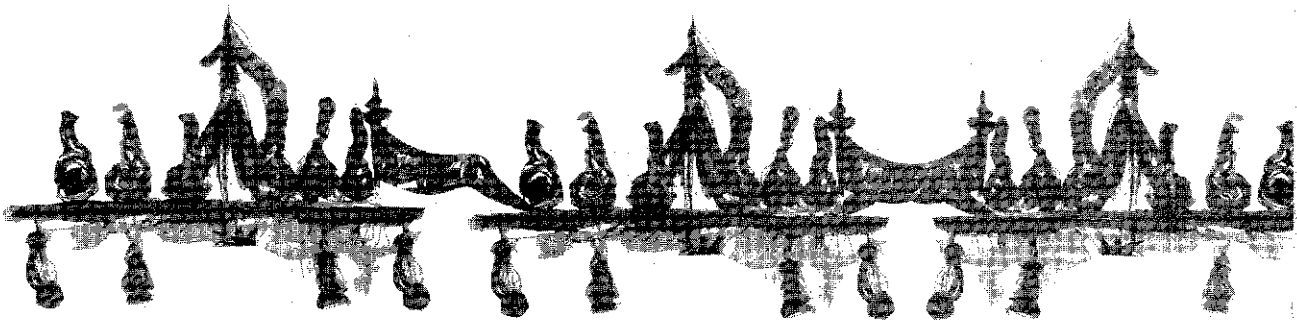
استاد محیط طباطبایی در خصوص تفاوت بین تکیه و حسینیه می گوید: «محل تعزیه خوانی و شبیه در آوردن را حسینیه می گویند که با تکیه و میدان سابق بی شباهت نبود... (تعزیه و تعزیه داری و شبیه خوانی از زمان دیلمیان تا امروز)

از معروف ترین تکیه هایی که در این زمان ساخته شد «تکیه دولت» بود که به دستور ناصرالدین شاه و مباشرت دوستعلی خان معیرالممالک در زاویه ی جنوب غربی کاخ گلستان با گنجایش بیست هزار نفر و صرف معادل یک صد و پنجاه هزار تومان

ساخته شد. این تکیه به عنوان عظیم ترین تماشاخانه ی همه ی اعصار تاریخ ایران شناخته شده است. تعزیه خوانان تکیه دولت که در اصل تعزیه خوانان سلطنتی بودند از لباس های بسیار گران قیمت و وسایل مجلل؛ چون شال های ترمه، خنجر، سپر، شمشیر مرصع و طلا استفاده می کردند. حتی یزید و شمر تعزیه، از کالسکه ای که ناپلئون برای فتحعلی شاه به ارمان فرستاده بود و هشت اسب آن را می کشید، استفاده می کردند و... (بهرام



آموزش زبان و ادب فارسی
دوره ی بیستم
شماره ی ۲
زمستان ۱۳۸۵



بیضایی، نمایش در ایران)

گفتنی است در این دوره نه تنها تعزیه و تعزیه‌خوانی از حیث ابزار کار، نحوه برگزاری و نسخه‌نویسی به کمال خود رسید، بلکه دسته‌گردانی هم با تشریفات دیگر و بهتری رونق گرفت.

بعد از ناصرالدین شاه تکیه دولت و تعزیه‌داری در آن از جلوه افتاد و مخالفت برخی از فقها با شبیه درآوردن برخی از

مراسم تعزیه از اهمیت آن در کار عزاداری محرم کاست و به تدریج از حوزه‌ی کارهای عمومی و دولتی به کنار رفت و جای آن را حرکت دسته‌هایی گرفت که در ضمن آن‌ها برخی از مراسم صوری این تعزیه‌خوانی‌ها حفظ شده بود. بعد از خلع محمدعلی شاه استفاده از تکیه دولت برای تعزیه‌خوانی به کلی متوقف شد و در سال ۱۳۰۶ هـ. ق مجلس مؤسسان در آن محل تشکیل شد و تعزیه عملاً در شهرها و دهات ادامه‌ی حیات یافت و بر رونقش افزوده شد.

عناصر سازنده و پردازنده‌ی تعزیه:

صرف نظر از عوامل اجتماعی، راز درخشش تعزیه در برهه‌ای از زمان، پذیرش

حیرت‌انگیز این پدیده از سوی عامه‌ی مردم و حمایتش از سوی بزرگان کشور بوده است. تعزیه یک عامل و یک نمود مجرد نیست بلکه مجموعه‌ای است دلپذیر و زیبا از پیوند طبیعی چند نمود ذوقی، عاطفی و اجتماعی...

و اما عوامل سازنده تعزیه عبارت‌اند از:

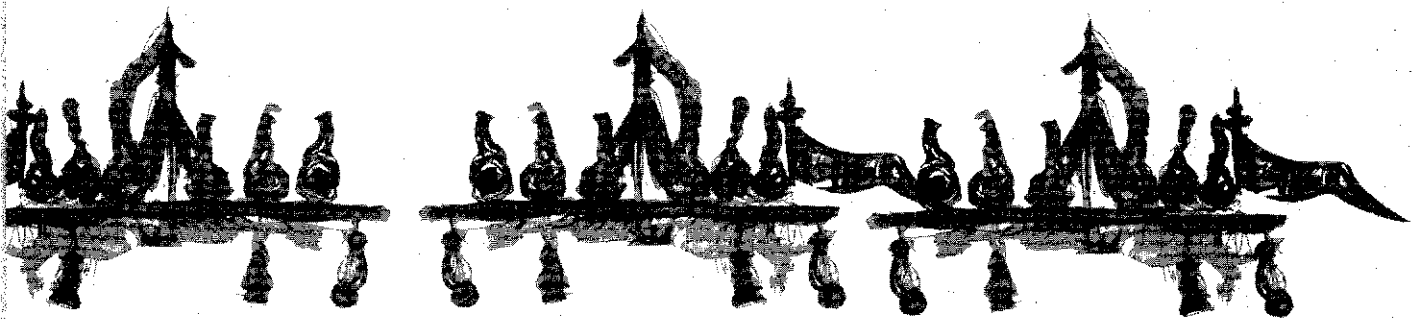
۱. شعر: مبنای گفت و گوی تعزیه شعر است و تنها مفر و تجلی‌گاه صادق ذوق ایرانیان است. در حقیقت شعر ظرفی است برای انعکاس عواطف، اندیشه‌ها و ذوق‌هاست. به هر حال شعر یکی از ارکان مهم تعزیه است و ایرانی شعر را دوست دارد.

۲. نقالی: نقالی هنری است که فرد نقال طی آن شعر یا داستانی را با همی وجود و با استفاده از همه‌ی استعدادها و اعضا و اندام خود برای جمعی نقل و روایت می‌کند و ضمن تأثیر گذاشتن بر دیگران، پند و اندرزهای مفیدی را نیز بیان می‌کند. فرد نقال علاوه بر استفاده از صدا و تغییر لحن از حالات و دگرگونی‌های چهره نیز برای بیان مطالب خود استفاده می‌کند. نقالان از هوشی سرشار و سرعت انتقالی حیرت‌انگیز برخوردار بودند که وقتی سخن آنان با موضوعی متناسب و با بیان دلکش و دیدی اجتماعی توأم می‌شد اثری سخت شگفت‌انگیز عرضه می‌داشتند. در اوایل اسلام، نقالی به عنوان حربه‌ای برای دفاع از حیثیت ملی، مورد استفاده قرار می‌گرفته است؛ خاصه در زمان صفاریان که نقالان موقعیت ارجمند و والایی داشته‌اند.

۳. سخنوری: بیش‌ترین نمود فن سخنوری در زمان صفویه است که موجب



بافت
آموزش زبان
و ادب فارسی
دوره‌ی بیستم
شماره‌ی ۲
زمستان ۱۳۸۵



آموزش زبان
و ادب فارسی
دوره بیستم
شماره ۲
زمستان ۱۳۸۵

استقرار مذهب تشیع در ایران می شد. و در واقع نوعی گفت و گوی در قهوه خانه میان دو سخنور بود که با شعر صورت می پذیرفت و طی آن دقایقی در مدح اولیای دین سخن به میان می آمد و فلسفه ی آن رقابت میان شیعه و سنی بود. سخن خواننده گاهی شعر خالص بود که بیش تر در قالب مخمس و مسمط سروده می شد و گاه مرکب از بحر طویل بود که به همین منظور پرداخته شده بود. خواننده با هر سؤالی چیزی از اشیا و البسه ی سردم دار (سخنور قهوه خانه) را طلب می کرد و آن را به گرو می گرفت. بعد سردم دار از جا بلند می شد و یکی یکی با شعر پاسخ می گفت و آن چه را که به گروگان داده بود یکی یکی باز پس می گرفت و سپس سؤالات خود را مطرح می کرد و اشیایی را به گرو می گرفت و این پرسش و پاسخ شیرین ساعت ها طول می کشید.

۴. موسیقی: از آن جایی که موسیقی عالی ترین و طبیعی ترین نمود ذوقی بشر است و از سوی دیگر غنا در اسلام پذیرفته نیست. تعزیه و تعزیه خوانی مطمئن ترین سنگری بوده که از موسیقی اصیل ایرانی پاسداری کرده است؛ چه به صورت نوحه خوانی و چه به صورت مخالف و موافق خوانی.

تعزیه خوانان موظف اند در هنگام تعزیه خوانی تمام ظرایف و نکات دستگاه و مقام موسیقی را ضمن تحریر، کاملاً رعایت کنند. انتخاب دستگاه های موسیقی نیز بر مبنای تجربه صورت گرفته است؛ مثلاً «حر» برای اظهار شجاعت و رجز خوانی در چهارگاه

می خوانند. البته استفاده از وسایل موسیقی به لواز می محدود و به گروه هایی که خود وابسته به تعزیه خوانان بودند مخصوص می شد. دسته های نوازنده ی موسیقی در هیئت معمول شبیه گردانان بیش تر از هفت یا هشت نفر نبودند و سازها عبارت بودند از: «شیپور، نی، قره نی، طبل، دهل، کرنا و سنج». آن چه این ها می نواختند آمیزه ای از اصوات درهم بود که به صورت یک طنین و آهنگ تقویت کننده در صحنه ها تأثیر گذار می شد.

۵. عزاداری: تعزیه در عین این که جنبه ی غنای نمایش را دربر دارد، جنبه ی خاص خود را، که تعزیت داری بر مرگ عزیزان دین است، کاملاً حفظ می کند و از همین روست که محبان اهل بیت هنگام تعزیه خوانی چه اشک ها که نمی ریزند و چه ناله ها که نمی کنند.

۶. پرده داری: پرده داری را شمایل گردانی نیز می گویند. پرده داران یا شمایل گردانان کسانی اند که معمولاً صحنه ای از حوادث را - حوادثی که در آن ها بر روی پرده ی اصلی پارچه ی سفیدی کشیده اند- با شرح و بسط تشریح می کنند. خصوصیات یک یک چهره هایی که نشان می دهند و با کنار زدن آرام و تدریجی پارچه ی سفید، قسمت به قسمت پرده توصیف می شوند، تماشاچیان را کاملاً سرگرم می دارد و آنان به اندازه ای در این کار مهارت دارند و با چنان جذابیت و تسلط و شیرینی ای واقعه را بازگو می کنند که هر رهگذری را علاقه مند به تماشا و کار خویش می سازند.

۷. استفاده از اشیا و عناصر مختلف. برای تعزیه خوانی از عوامل مختلفی استفاده می شود که بعضی جنبه ی عینی

دارند، بعضی جنبه ی تفریحی و بعضی جنبه ی سمبولیک.

آن چه که جنبه ی عینی دارد؛ مثل شمشیر، سپر، سنج، دهل، اسب، کرنا، خنجر، مشک آب، خود، زره و نیزه و آن چه جنبه ی تزئینی دارد؛ مثل: حجله ی قاسم، کبوترهای تیرخورده ی قاصد، علم، کتل و نعش.

در مورد عوامل سمبلیک می توان از: تشت (سمبول رودخانه فرات)، شاخه ی نخل (سمبول درخت خرما و نخلستان) انگشتر عقیق (سمبول چشمه ی زاینده)، میدان (سمبول میدان جنگ و کارزار) نام برد.

۸. از میان برداشتن فاصله با تماشاگر: تعزیه در میان مردم خوانده می شود. صحنه در وسط میدان است. همه ی تعزیه خوانان روی صحنه اند و هر کسی به نوبت نقشش را ایفا می کند.

۹. ایمان و اخلاص: تعزیه خوانان بیش تر به اجر معنوی و پاداش آخرت چشم دارند و عموماً از بین افراد مذهبی انتخاب می شوند. آنان بیش تر خود را «ذاکر حسین» می دانند و با همان سرمایه ی معنوی به تعزیه خوانی می پردازند.

- منابع و مأخذ.....
۱. دهخدا، علی اکبر، امثال و حکم، جلد اول، دوم و سوم، چاپ امیرکبیر.
 ۲. سعیدی، عباس، تراژدی تعزیه (مقاله) کیهان فرهنگی شماره ی هفتم، مهر ماه ۱۳۶۴.
 ۳. صادقی، همایون، تعزیه در ایران، چاپ فرهنگ، بهار ۱۳۶۸.
 ۴. صادقی، همایون، تحولات و سیر تکامل تعزیه در ایران (مقاله) مجله کاوه - چاپ مونیخ.
 ۵. محیط طباطبایی، سیدمحمد، پیدایش و گسترش سوگواری (مقاله) - اطلاعات.
 ۶. ملک پور، جمشید، ادبیات نمایشی در ایران، جلد اول، انتشارات توس

